

216480 - آیا ابن حجر عسقلانی جشن گرفتن میلاد پیامبر صلی الله علیه وسلم را جایز دانسته است؟

سوال

آیا واقعا ابن حجر عسقلانی جشن گرفتن مولودی را جایز دانسته؟ چون اینجا در الجزایر بسیاری از مشایخ به این جواز عسقلانی در جایز بودن جشن گرفتن مولود استدلال می‌کنند.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

جشن گرفتن مولد نبوی از بدعت‌های نوساخته است و نخستین کسانی که چنین بدعتی را راه انداختند خلفای فاطمی عبیدی بودند که از فرقه‌های گمراه بودند و از هیچ‌یک از سلف در سه قرن برتر نخست نقل نشده که چنین کاری را جایز یا مستحب دانسته باشد.

ثانیا:

اصل و اساس در تشریح، قرآن و سنت است. علما نیز وارثان پیامبرانند که پرچم علم را بر دوش دارند. الله متعال اهل علم را توفیق فهم دین عطا کرده است و هر یک به اندازه‌ی توفیق پروردگار از این فهم برخوردارند ولی الزاما هر چه یک عالم بگوید درست نیست، بلکه او مجتهد است. یعنی اگر به رای صحیح رفت دو پاداش دارد: پاداش اجتهاد و تلاش علمی، و پاداش رای صحیح. و اگر به خطا رفت اجر اجتهادش را دارد و خطایش بخشوده است.

شیخ ابن باز رحمه الله می‌گوید:

قاعدہ‌ی شرعی در حق علمای مجتهد چنین است: هر کس در طلب حق تلاش [علمی] کند و در ادله نظر اندازد اگر به رای صحیح برسد دو اجر دارد و اگر اشتباه کند یک پاداش دارد، یعنی پاداش اجتهادش را مجموع فتاوی ابن باز (۸۹ / ۶).

ثالثا:

سیوطی رحمه الله می‌گوید:

«از شیخ الاسلام، حافظ عصر، ابوالفضل ابن حجر درباره‌ی انجام [جشن] مولد پرسیدند، ایشان چنین پاسخ داد:

اصل انجام مولد بدعت است و از هیچ یک از سلف صالح در سه قرن [نخست] نقل نشده، اما با این وجود شامل برخی محاسن و ضد آن است، پس اگر کسی در انجام آن در جستجوی محاسنش و دوری از ضد آن باشد بدعتی است حسنه و گرنه چنین نیست.

و برای من تخریج این مناسبت بر اساس یک اصل ثابت آشکار شده و آن چیزی است که در صحیحین وارد شده که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - هنگامی که به مدینه آمدند یهودیان را دیدند که در روز عاشورا روزه می‌گیرند، پس از آنها درباره‌ی کارشان پرسیدند. یهودیان گفتند: این روزی است که خداوند فرعون را در آن غرق کرد و موسی را نجات داد؛ بنابراین ما از روی شکر الله تعالی آن را روزه می‌گیریم.

از این حدیث انجام شکر خداوند در یک روز معین برای منی که گذاشته از جمله دادن یک نعمت یا دفع یک بلا، برداشت می‌شود و این کار در نظیر آن روز در هر سال تکرار می‌شود.

شکر الله با انواع عبادات حاصل می‌شود، مانند سجده و روزه و صدقه و تلاوت؛ و چه نعمتی بالاتر از نعمت تولد پیامبر رحمت در آن روز؟

بنابراین: باید [این کار] به دقت در همان روز انجام شود تا مطابق با داستان موسی در روز عاشورا باشد، و کسانی که این را در نظر نگرفته‌اند برایشان مهم نیست که مولد را در چه روزی از چه ماهی برگزار کنند...

این در مورد اصل این کار.

اما درباره‌ی کارهایی که در این جشن انجام می‌دهند، باید به انجام کارهایی اکتفا کنند که از آن شکر خداوند فهمیده شود از جمله کارهایی که پیشتر بیان شد مانند تلاوت و غذا دادن و صدقه و خواندن اشعاری در مدائح نبوی و زهد که دل را به سوی انجام کار خیر و تلاش برای آخرت به جنبش آورد.

اما آنچه پیرو این کار انجام می‌گیرد مانند سماع و لهو و مانند آن؛ باید گفته شود آن کارهایی که به اقتضای شادی این روز مباح است مشکلی ندارد و آنچه حرام و مکروه است باید از آن جلوگیری شود و همینطور آنچه خلاف اولی است» (الحاوی للفتاوی: ۸ / ۲۲۹).

اینجا باید گفته شود:

سخن درباره‌ی آنچه از حافظ ابن حجر - رحمه الله - نقل شده بر سه بخش است:

نخست: در این سخن تصریح شده که انجام جشن مولد از کارهای سلف صالح نبوده و بر این اساس بدعت است، و نباید به این سخن این حجر که در آغاز کلامش آورده بی‌توجهی شود.

دوم: آنجا که ایشان گفته است: اما درباره‌ی کارهایی که در این جشن انجام می‌دهند، باید به انجام کارهایی اکتفا کنند که از آن شکر خداوند فهمیده شود از جمله کارهایی که پیشتر بیان شد مانند تلاوت و غذا دادن و صدقه و خواندن اشعاری در مدائح نبوی و زهد که دل را به سوی انجام کار خیر و تلاش برای آخرت به جنبش آورد.

کاری که مردم امروزه در جشن‌های مولودی و دیگر جشن‌های نوساخته انجام می‌دهند برخلاف چیزی است که حافظ ابن حجر فتوایش را بنابر آن بیان کرده و به آن وابسته دانسته است. کسی که به حال و روز اغلب مردم این دوران نگاه بیندازد متوجه می‌شود که بیشتر آنچه در این جشن‌ها انجام می‌شود از قبیل بدعت‌ها و منکرات است و بلکه شامل گناهان زشت و کارهای خلاف شرعی است که تنها خداوند به آن آگاه است!

بخاری (۸۶۹) و مسلم (۴۴۵) از عائشه - رضی الله عنها - روایت کرده‌اند که گفت: اگر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌دید که [امروزه] زنان چه کارهایی می‌کنند آنان را از رفتن به مسجد باز می‌داشت چنانکه زنان بنی اسرائیل از آن منع شدند!

اگر این سخن ام المومنین در مورد کاری است که بدون هیچ اختلافی مشروع است اما حال مردم در انجام آن دچار تغییر شده، درباره‌ی کاری که اساس آن بدعت است و سپس دچار تغییر شده و بدعت‌ها و منکرات دیگری به آن افزوده‌اند چه می‌شود گفت؟

شایسته‌ی انسان عاقل است که در این باره به این سخن امام شاطبی - رحمه الله - دقت کند که می‌گوید:

اگر اینطور باشد که شخص مکلف هر مساله‌ای که برایش سخت به نظر آید پی‌گیر رخصت مذاهب شود و هر قولی را که موافق دلخواهش باشد بگیرد گردن‌بند طاعت را از گردن انداخته و در پیروی از هوای نفس زیاده‌روی کرده و آنچه را شارع قرار داده نقض نموده و آنچه را مقدم داشته به تاخیر انداخته است (الموافقات: ۳ / ۱۲۳).

والله اعلم